**بررسی تطبيقی اخلاق كشاورزی در اسلام و غرب**

علي رمضاني[1-](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ftn1%22%20%5Co%20%22) / سيدمحمود نبويان[2-](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ftn2%22%20%5Co%20%22)

چكيده

اين نوشتار، با رويكرد تحليلي و بررسي اسنادي به بررسي مسائلي مي‌پردازد كه از نظر اخلاقي در حوزة كشاورزي، به ويژه كشاورزي صنعتي مطرح است. پس از تعريفي كوتاه دربارة اخلاق كاربردي و اخلاق كشاورزي، به روابط چهارگانة انسان با خدا، انسان با خود، انسان با جامعه و انسان با طبيعت اشاره شده است. در ادامه، با بيان جايگاه و اهميت كشاورزي در جوامع امروزي، به برخي نارسايي‌ها و «مسائلي» اشاره مي‌شود. كه كشاورزي صنعتي امروزي به وجود آورده است. در پايان، به صورت تطبيقي و از منظر اخلاقي مسائل و مشكلات كشاورزي در اسلام و غرب مورد بازكاوي و بررسي قرار گرفته است.

كليدواژه‌ها:‌ اخلاق، اخلاق كاربردي، اخلاق كشاورزي، كشاورزي صنعتي.

**طرح مسئله**

مسئله كشاورزي از امور با اهميت در اسلام است. آيات و روايات فراواني دربارة زراعت و كشاورزي وجود دارد كه بيانگر نقش حياتي آن در زندگي آدميان است. قرآن كريم انسان‌ها را به كار و تلاش بر روي زمين، و عمران و آباداني آن دعوت مي‌كند و راه كسب رزق حلال را كشت‌و‌كار و توليد دانسته، در آيات متعددي اشاره دارد كه ابر و باد و مه و خورشيد و فلك، همه و همه موظفند تا به انسان در اين هدف مقدّس ياري رسانند.[1](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn1%22%20%5Co%20%22)

در اين ميان، با ظهور مدرنيته و عصر ماشين و صنعتي شدن كشاورزي، پرسش‌هايي به وجود مي‌آيد كه در گذشته چندان مسئله نبوده است؛ در ذيل به برخي از اين پرسش‌ها اشاره مي‌شود:

1. با توجه به تأثير منفي كشاورزي مدرن بر شرايط محيط زيست، اين مسئله از نظر اخلاقي چگونه ارزيابي مي‌شود؟

2. آيا دخالت انسان در طبيعتِ خدادادي جايز است؟

3. آيا كشاورزي صنعتي كه مستلزم كاستن از فرصت استخدام نيروي كار و درآمدها مي‌باشد، جايز است؟

4. از نظر اخلاقي، استفاده از مواد شيميايي سرطان‌زا چگونه است؟

5. با توجه به اينكه بيشتر انسان‌ها مي‌توانند تنها از طريق خوردن دانه‌ها، دانه‌هاي روغني (مثل آجيل) و حبوبات و محصولات سبزيجات كه از گياهان مرده يا رو به موت برداشت مي‌شوند تغذيه كرده و ادامة حيات دهند، و نيز با توجه به اين پيش‌فرض كه تمام موجودات زنده سزاوار احترام‌اند، آيا كشاورزي كه به روشني موجب از ميان رفتن گياهان و حيوانات مي‌شود، از نظر اخلاقي جايز است؟[2](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn2%22%20%5Co%20%22)

و…

نظر اسلام دربارة اين مسائل فوق چيست؟ در اين نوشتار به اختصار به بررسي برخي از اين مسائل مي‌پردازيم.

**اخلاق كشاورزي**

اخلاق كشاورزي، مطالعة مسائل اخلاقي برآمده از كشاورزي است. اين مسائل عبارت‌اند از: مداخلة انسان در مسير طبيعت، تأثيرات پاره‌اي از اعمال كشاورزي بر شرايط موجود اجتماعي و بر شرايطي كه نسل‌هاي آينده در آن زندگي خواهند كرد و ارزش يا فضيلت كشاورزي به مثابة يك فعاليت انساني بالذات.[3](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn3%22%20%5Co%20%22)

**روابط چهارگانة انسان**

مجموعة روابط انسان را مي‌توان در چهار رابطه تحليل كرد:[4](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn4%22%20%5Co%20%22)

1. رابطة انسان با خدا؛

2. رابطة انسان با خود؛

3. رابطة انسان با طبيعت؛

4. رابطة انسان با جامعه.

با توجه به اينكه بررسي و پاسخ به پرسش‌هاي بالا بر شناخت روابط گوناگون انسان مبتني است، ابتدا به‌طور مختصر نگاهي به اين روابط چهارگانه خواهيم داشت. در نگاه ديني، تنظيم روابط چهارگانه مذكور، تنها در صلاحيت خداي متعال است؛ زيرا كسي مي‌تواند براي انسان برنامة جامع و كامل تدوين كند كه او را بشناسد، از ابعاد وجودي او آگاه باشد و نيازها و استعدادهايش را بداند و... . بديهي است جز خداي متعال، كسي چنين شناخت دقيقي از انسان ندارد و تجربه جوامع بشري نيز به‌خوبي گواه بر اين امر است كه هر جا انسان خود قدم پيش نهاد و مستقل از وحي دست به وضع قانون و تدوين برنامة زندگي زد، نتايج مخرّب و ويرانگرش نمايان شده، به شكست انجاميده است. به تعبير ديگر، تنها كسي حق وضع قانون براي انسان را دارد كه داراي صفات زير باشد:

1. انسان‌شناس كامل باشد؛ به گونه‌اي كه تمام ويژگي‌هاي او را از نظر جسم و جان بشناسد؛ از تمام اسرار وجود انسان، عواطف، اميال، غرايز، شهوات، هوس‌ها و مسائل فطري او با خبر باشد و هيچ چيز در ساختار وجود انسان بر او مخفي نماند؛

2. از تمام آثار اشياي جهان و خواص و ويژگي‌هاي آنها از نظر هماهنگي و ناهماهنگي با وجود انسان با خبر باشد و دقيقاً مصالح و مفاسد تمام اعمال و كارهاي فردي و اجتماعي و پيامدهاي آنها را بداند؛

3. از تمام حوادث پيش‌روي مؤثر در سرنوشت انسان، آگاه باشد؛

4. بايد از هر لغزش، گناه، خطا و اشتباهي به دور باشد و در عين دلسوزي و مهرباني، اراده‌اي قوي و با شهامت داشته باشد و از هيچ قدرتي در اجتماع نهراسد؛

5. هيچ‌گونه منافعي در اجتماع بشريت نداشته باشد تا هنگام تنظيم قوانين ـ آگاهانه يا نا آگاهانه ـ متوجه جهتي كه حافظ منافع شخص اوست نشده، مصالح جامعه را فداي منافع خودش نكند.[5](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn5%22%20%5Co%20%22) به راستي، چه كسي جز خداي متعال كه آگاه به پيدا و نهان، گذشته و حال و آينده و ... است، چنين صفات و صلاحيتي را دارد. پس روابط چهارگانه مذكور را نيز خدا تعيين مي‌كند. عمدة روابط انسان با خدا در مراتب مختلف توحيد متبلور است.

رابطة انسان با خدا، مهم‌ترين رابطة انسان است؛ به‌گونه‌اي كه ساير روابط انسان‌ها بايد بر اساس اين رابطه تنظيم شود. اصل مهم در اين رابطه، همان اساس دعوت انبيا است. دعوت انبياي الهي بر محور «توحيد» است كه شامل توحيد در ذات، توحيد در خالقيت، توحيد در ربوبيت، توحيد در عبادت، توحيد در اطاعت، توحيد در تقنين و تشريع و... مي‌شود. از اين‌روي، انسان بايد خود را به معناي واقعي كلمه «عبد» خدا بداند و در تمام شئون، عبوديت و بندگي خويش را نشان دهد.

در رابطة انسان با خود نيز توجه به دوبعدي بودن وجود انسان، اصالت و ابديت روح، عبوديت انسان، كمال و سعادت نهايي انسان كه همان قرب به خداي متعال است، و نقش ايمان و عمل صالح و تقواي الهي براي نيل به اين كمال و سعادت، بايد مورد توجه قرار گيرد.

در رابطة انسان با طبيعت نيز بايد به اصولي چون آيت و نشانة خدا بودن طبيعت و زمين، مسخَّر انسان كردن طبيعت توسط خداي متعال، لزوم عمارت و آباداني زمين، مطلوبيت استفاده از زينت‌هاي طبيعي، منع اسراف و تبذير، منع دنياپرستي و عشق به زخارف مادي و... توجه كرد.

نكتة قابل توجه اين است كه در رابطة انسان با طبيعت، بايد نسبت اين دو را در رابطه‌شان با خداي متعال سنجيد. بدين معنا كه انسان و طبيعت وابسته به خدا، و مخلوق و مملوك او هستند؛ اين وابستگي و تعلّق كه از عليت و خلقت خداي متعال نسبت به آنها حاصل شده است، به مالكيت تام الهي منجر مي‌شود. از اين‌روي، تنها خداي متعال عهده‌دار تدبير و تقدير عالم خواهد بود و اين همان معناي مالكيت تام خداست. از طرف ديگر، در جهان‌بيني الهي، انسان حتي مالك هستي خويش نيز نيست و تنها امانتدار خداوند است. حال اگر انسان نسبت به اعضا و جوارح خويش مالكيت ندارد، وضع او نسبت به ديگر موجودات و اشيا به طريق اولي مشخص است. او هرگز مالكيتي نسبت به آنها ندارد و همة آنها امانت‌هاي الهي در دست انسان مي‌باشد. بنابراين، نمي‌تواند براي بهره‌مندي افسارگسيخته از طبيعت، هرگونه تصرفي در آن داشته باشد. عقل نيز چنين حكم مي‌كند كه اگر كسي بخواهد در ملك ديگران تصرف كند، بايد از مالك اجازه بگيرد، وگرنه حق تصرف در ملك او را ندارد. بنابراين، انسان امانتدار هويت خويش و ديگر موجودات مانند: كوه‌ها، درياها، جنگل‌ها، مراتع، منابع طبيعي و ... است و براي برقراري ارتباط و استفاده از آنها، بايد از مالك حقيقي آنها ـ يعني خداي متعال ـ اجازه بگيرد. اذن پروردگار نيز در گرو تبعيت از اوامر و نواهي الهي است كه توسط انبيا و رسولان الهي در قالب «دين» ارائه و تبيين شده از اين‌روي، هرگونه تصرف در خود يا ديگران، به اذن دين منوط بوده، و بايد در چارچوبي كه دين تعيين مي‌كند انجام گيرد.

در رابطة انسان با جامعه نيز بايد به برخي امور توجه كرد؛ مانند سنت‌هاي الهي در تدبير جوامع و انسان‌ها، جامعة آرماني اسلامي، رشد فرهنگي و اقتصادي جامعه، رشد حقوقي، داخلي، بين‌المللي و... .

**اهميت كشاورزي**

از ديدگاه سقراط، كشاورزي بهترين كار و بهترين نوع دانش است، كه به وسيلة آن انسان‌ها خود را به همراه اشياء لازم عرضه مي‌كنند. در حالي كه برخي معتقدند ده هزار سال گذشتة كشاورزي، ناگزير به تخريب مصيبت‌بار و برگشت‌ناپذير محيطي منجر شده است. بسياري همراه با سقراط تأكيد مي‌كنند كه هيچ كار يا دانشي بهتر از كشاورزي وجود ندارد.

شايد كشاورزي به اين دليل بهترين نوع دانش دانسته شده كه عقلاً با بدن و جسم انسان ارتباط بي‌همتا دارد. چنان‌كه برخي محققان اظهار مي‌دارند، كشاورزان، منافع حيات را دريافت مي‌كنند... آنان طول عمر و قابليت اعتماد منابع غذايي، هم از لحاظ طبيعي و هم از لحاظ فرهنگي را به دست مي‌آورند. در يك مزرعه، پاسخ مناسب به فرياد روحي دربارة ارضاء صحيح نياز جسمي داده مي‌شود. كشاورزي مي‌تواند يك فرياد فضيلت‌محور باشد؛ يك هنر با پاداش‌هاي ذاتي خودش. از طرف ديگر، وقتي يك ملت بي‌زمين مي‌شود يا از ابزارهايي كه نيازهاي اساسي جسماني‌شان با آنها تأمين مي‌شود، گسسته مي‌شود، در واقع چنين ملتي نه تنها از بهترين نوع كار، بلكه از بهترين نوع دانش نيز محروم مي‌شود.[6](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn6%22%20%5Co%20%22)

**كشاورزي صنعتي و مدرن**

يكي از دغدغه‌هاي كشورهاي در حال توسعه و توسعه‌يافته، دربارة عدالت در زمين‌هاي كشاورزي و نحوة توزيع غذا است. بيشتر جمعيت فقير جهان، مزرعه‌داران كوچك و اجاره‌نشين‌ها هستند. براي افزايش سطح زندگي اين كشاورزان، دولت‌هاي بسياري از كشورهاي در حال توسعه، در دهة 1970، سياست صنعتي‌سازي كشاورزي را پذيرفته‌اند و كشاورزان خويش را تشويق مي‌كنند كه مدل‌هاي كشاورزان بزرگ و موفق در كشورهاي توسعه‌يافته را پيروي كنند.

طي انقلاب سبز در دهه1960-1970، كشورهايي همچون هند، كاستاريكا و نيجريه، كارآيي و بازده كشاورزان خود را از راه استقراض پول از آژانس‌هاي وام‌دهي بين‌المللي مانند بانك جهاني توسعه دادند. همچنين، صندوق‌ها براي توسعه دادن به اعتبار كشاورزان به كار گرفته شدند. آنها به كشاورزان آموخته بودند كه دانه‌هاي گوناگون پرمحصول (مانند برنج، گندم، ذرت) را خريداري كنند. استفاده از فناوري‌هاي لازم براي كاربرد ابزارهاي مكانيكي (تراكتور) و تركيبات شيميايي (علف‌كش‌ها و حشره‌كش‌ها) را فراگرفته بودند. از اين‌روي، بسياري از كشاورزان رشد كردند و ملت‌هايي كه زماني غلات وارد مي‌كردند، در زمينة برخي محصولات خودكفا شدند.[7](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn7%22%20%5Co%20%22)

به رغم منافعي كه براي كشاورزي صنعتي ذكر شد، پرسش‌ها و انتقادات جدي نيز دربارة آن مطرح است. از جمله پيامدهاي مهم كشاورزي صنعتي را مي‌توان نابودي كشاورزي سنتي و فعاليت كشاورزان خرده‌پا و مستقل برشمرد. تغيير اقتصاد مبتني بر كشاورزي محلي و سنتي به كشاورزي تكنولوژيكي، مستلزم روي آوردن به كشت تك‌محصولي، كودهاي شيميايي، آفت‌كش‌ها و غذاهاي دستكاري شدة ژنتيكي با همة عوارض مربوطه است؛ اين امر سبب شده است ميزان قابل توجهي از مزارع سنتي كشاورزي نابود شوند و اقتصاد بسياري از جوامع محلي از پاي درآيد.

همچنين اين انتقاد مطرح شد كه كشاورزي صنعتي، به شكل غيرمنصفانه‌اي از كشاورزان بزرگتر سود مي‌برد؛ زيرا آنها در مقايسه با كشاورزان كوچكتر، آسانتر به اعتبارات و زمين‌داري توسعه‌يافته دست مي‌يابند. به‌موازات رشد محصولات و فراواني محصول، به علت كاهش قيمت آن، درآمد كمتري نصيب كشاورزان شد. كشاورزي صنعتي و مدرن اين پرسش جدي را در پي داشته است كه آيا فقيران و گرسنگان واقعاً از كشاورزي صنعتي متضرر نمي‌شوند؟ آيا مستأجران و كشاورزان كوچك، به ناحق زمين‌هاي خود را از دست نمي‌دهند؟ آيا كشاورزي صنعتي موجب كاستن از فرصت‌ها براي استخدام نيروي كار و درآمدها نشده است؟ در كشورهاي توسعه‌يافته گفت‌وگو دربارة عدالت اجتماعي در كشاورزي، گاهي كانون بحث دربارة ساختار صنعت كشاورزي بوده است. براي نمونه، در ايالات متحده اين مسئله در قالب تمايل به «نجات مزرعة خانواده» ابراز شد. مزارع خانواده، تجارت شخصي در اندازة متوسط است كه خانواده‌ها در آن كار مي‌كنند و آن را دوست دارند. اين نوع مزرعه، با مزارع كوچكتر تفنّني كه بيشتر درآمد آنها از فعاليت‌هاي غيركشاورزي تأمين مي‌شود، و نيز با مزرعه‌هاي بسيار بزرگتر كه اغلب، كارگران ساعتي در آنها كار مي‌كنند و دغدغة خاطري به آنها ندارند، جابه جا شده است. در اينجا مسائلي مورد توجه است؛ مانند آيا كشاورزان خانواده، بهتر از ديگر كشاورزان زمين‌ها را اداره مي‌كنند؟ آيا با حيوانات كشاورزي در مزارع خانواده، انساني‌تر برخورد مي‌شود؟ آيا مزارع كوچك‌تر به اندازة مزارع بزرگتر و صنعتي مي‌توانند محصول توليد كنند؟

مسئلة ديگر، به نقش حكومت‌ها در كشاورزي مربوط است. آيا سياست عمومي بايد به منافع و يارانه در مزارع متوسط - و نه مزارع بزرگ يا تفنني- معطوف باشد؟ آيا سياست‌هاي اينچنيني كه به تمام مزارع نفع نمي‌رساند، به طور ذاتي ناعادلانه است؟ سرانجام، مسائل عدالت اجتماعي دربارة حشره‌كش‌ها، كارگران و تندرستي مصرف‌كنندگان مطرح مي‌شود. براي مثال، بر پاية دلايل وجودشناختي، استدلال شده است كه كشاورزان اخلاقاً حق استفاده از مواد شيميايي را كه براي مصرف‌كننده‌ها سرطان‌زا است ندارند.[8](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn8%22%20%5Co%20%22)

**كشاورزي صنعتي و كاستن از فرصت استخدام نيروي كار و درآمدها**

يكي از علل عمدة فقر در جهان، نبود كار و شغل مناسب است. در اين زمينه، كشاورزي مي‌تواند عامل نجات‌بخشي براي رهايي ملت‌ها از فقر باشد. اما امروزه در دنياي جديد و به علت اقدامات توسعه‌طلبانة كشورهاي صنعتي و قدرت‌مند تحت عنوان «جهاني‌سازي كشاورزي»، ميليون‌ها نفر از كشاورزان در جهان، زمين‌هاي خود را از دست داده و يا بيكار شده‌اند. براي نمونه، واندانا شيوا، يكي از سخنرانان كنفرانس «جهاني‌شدن و غذا» دربارة كشور هند مي‌گويد:

اصلاحات ارضي كه بر اساس آن، دارايي زمين تا سقف خاصي محدود شده بود، ملغي گرديده و در ايالت‌هاي مختلف، به شركت‌هاي بزرگ اجازه داده مي‌شود براي بازارهاي بين‌المللي به توليد محصولات كشاورزي لوكس بپردازند. بدين ترتيب، كشاورزان زيادي بيكار گرديده و اين شرايط مي‌تواند در آينده، وضعيت سياسي و اجتماعي در شرف انفجاري را به وجود آورد.[9](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn9%22%20%5Co%20%22)

وي همچنين با استفاده از مطالعات ميداني نشان داد كه چگونه زمين‌هاي كشاورزي ديروز، كه در آن مواد غذايي كشت مي‌گرديد، به كاشت محصولاتي غيرغذايي نظير گل يا پرورش غذاهايي لوكس نظير ميگو اختصاص يافته، و بيكاري و فقرِ بسياري از كشاورزان را سبب شده است. شبيه اين مسئله و به‌طور كلي ناامني غذايي، در بسياري از كشورها مانند: مكزيك، اتيوپي، كنيا، كرة جنوبي، فيليپين، انگلستان، ژاپن و... وجود دارد. امروزه، كشاورزان كوچك هزينة بقاي شركت‌هاي بزرگ غذايي را مي‌پردازند و آزادسازي تجاري، به از بين رفتن كشاورزان كوچك در سراسر دنيا منجر شده است. بزرگترين بهانة غرب صنعتي دربارة لزوم صنعتي‌شدن بخش غذا و سلطة شركت‌هاي بزرگ بر فعاليت‌هاي كشاورزي، بهره‌وري اندك كشاورزان كوچك است. در حالي كه حتي در گزارش توسعة جهاني نيز پذيرفته شده است كه كشاورزان كوچك، بهره‌وري بيشتري در مقايسه با كشاورزان بزرگ دارند. بسياري از دانشمندان نيز در كنار اشاره به مزاياي مزارع كوچك نظير تنوع زياد، بهره‌وري بالا و پايداري اين مزارع، خاطرنشان مي‌كنند مزارع بزرگ كه از سوي شركت‌هاي بزرگ تجاري اداره مي‌شوند، علاوه بر ناكارآمدي و فقدان بهره‌وري، به‌دليل استفاده از سيستم‌هاي صنعتي در بخش مواد غذايي خود، و نيز به سبب منفعت‌جويي اين شركت‌ها و استفادة بيشتر از مواد شيميايي مانند آفت‌كش‌ها، كودهاي شيميايي و سموم مختلف براي افزايش محصول، ناسالم و خطرناك بوده، سلامت استفاده‌كنندگان را نيز به خطر مي‌اندازند.[10](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn10%22%20%5Co%20%22) طرفداران كشاورزي صنعتي، استدلال مي‌كنند كه با توسل به چنين رويكردي، مي‌توان جمعيت رو به گسترش جهان را سير كرد اما واقعيت آن است كه حتي بدون سرمايه‌گذاري جدي در اين بخش و با صِرف توسل به راه‌كارهاي كشاورزي آلي و پرهيز از استفاده از مواد شيميايي و صنعتي نيز مي‌توان بازده محصولات را به شكل چشم‌گيري افزايش داد. براي نمونه، طبق مطالعة اخير سازمان غذا و كشاورزي سازمان ملل، محصول سيب‌زميني بوليوي به دليل استفادة از اين نوع الگوي كشاورزي، از چهار تن در هكتار، به پانزده تن افزايش يافته است؛ در كوبا، ميزان برداشت سبزيجات خوراكي، دو برابر شده است؛ در اتيوپي، محصول سيب‌زميني از شش تن در هكتار، به سي تن رسيده است؛ در كنيا، بازدة ذرت از تن به نه تن و در پاكستان، برداشت انبه از 7/5 تن به 22 تن در هكتار رسيده است.[11](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn11%22%20%5Co%20%22)

**تأثير برخي اعمال كشاورزي بر شرايط حال و آيندة جوامع بشري**

يكي از تأثيراتي كه كشاورزي صنعتي در دهه‌هاي اخير بر زندگي حال و آيندة انسان‌ها داشته و خواهد داشت، ايجاد بحران آب شيرين مي‌باشد. بر اساس آمارها، اكنون هفتاد درصد آب موجود، در بخش كشاورزي و دامداري مصرف مي‌شود. پيش‌بيني‌ها حكايت از آن دارد كه در آغاز هزارة سوم، به دليل افزايش حجم زمين‌هاي زير كشت، مصرف آب مورد نياز براي كشاورزي 25 تا 30% افزايش خواهد داشت.[12](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn12%22%20%5Co%20%22) همچنين مي‌دانيم كه 97 درصد آب‌هاي شيرين جهان، در سفره‌هاي زيرزميني ذخيره شده است؛ اما امروزه گسترش كشاورزي صنعتي و رشد سرسام‌آور آن، به تهديدي جدي ضد اين منابع حياتي بشر و طبيعت تبديل شده است. براي نمونه، تنها در كشور هند كه از كشاورزي صنعتي بهره مي‌برد و سومين توليدكنندة غلات است، تعداد لوله‌كشي‌هاي مخصوص كه در چاه‌ها تعبيه شده است تا آب‌هاي زيرزميني را به مزارع منتقل كند، از سه هزار مورد در سال 1960، ناگهان به شش ميليون در سال 1990 افزايش يافت؛ و در حالي كه تعداد زمين‌هاي زراعي استفاده‌كننده از آب‌هاي سطحي در سال‌هاي1950 ـ 1985 در اين كشور دو برابر شده است، اما ميزان زمين‌هاي زراعي كه از منابع زيرزميني بهره مي‌جويند، 113 برابر شده است.[13](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn13%22%20%5Co%20%22) در صورتي كه در بيشتر مناطق دنيا و حتي در مناطق پر باران، مردم با خشك‌سالي و كمبود آب شيرين مواجه‌اند؛ به گونه‌اي كه بر اساس گزارش‌ها، هم‌اينك يك ميليارد نفر از ساكنان زمين به آب آشاميدني سالم دسترسي ندارند و طبق گزارش جديد سازمان ملل، نه نفت، بلكه آب دليل جنگ‌هاي آينده خواهد بود.[14](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn14%22%20%5Co%20%22) در چنين وضعيتي، صرف حجم وسيعي از آبها براي كشاورزي چگونه خواهد بود؟ در صورت پاسخ منفي به اين پرسش، با گرسنگي جمع زيادي از جمعيت جهان چه بايد كرد؟ به تعبير ديگر، يكي از وظايف اساسي متناسب با ديگر حقوق اخلاقي، تلاش براي تغذيه و سير كردن جهان گرسنه است. رها كردن و دست‌شستن از زراعت، به ناكامي در اجراي اين وظيفه منجر خواهد شد.[15](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn15%22%20%5Co%20%22)

به نظر مي‌رسد مشكل كمبود آب، از عوامل ديگري ناشي مي‌شود. تبديل مناطق سرسبز به بيابان بر اثر تخريب جنگل‌ها، آسيب رسيدن به منابع آب به سبب فقدان پوشش‌هاي جنگلي، كه در نتيجة آن بارندگي‌ها خاك‌هاي سطحي را نابود مي‌كند، اسراف و استفادة نادرست از آب كه محصول صنعت و تكنولوژي جديد است،[16](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn16%22%20%5Co%20%22) و... از جملة اين عوامل است.

**استفاده از مواد شيميايي سرطان‌زا**

صنعتي‌شدن در غرب، حتي غذاهاي روزمرة مردم مثل «نان» را نيز در برگرفته است.[17](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn17%22%20%5Co%20%22) ساتيش كومار[18](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn18%22%20%5Co%20%22) نويسنده و سردبير نشريه «Resurgence» در مقاله‌اي با عنوان «در حسرت نان سالم»، به اين مسئله اشاره دارد. از نظر ايشان، نان تازه و كاملي كه در گذشته در منازل و يا نانوايي‌هاي سنّتي محلّي توليد مي‌شد، نه‌تنها از درصد ابتلا به سرطان مي‌كاست، بلكه با كاهش ميزان بيماري‌هاي قلبي همراه بود؛ افزون بر اين، مردم مجبور نبودند هزينه‌هاي سرسام‌آور درمان اين بيماري‌ها را بپردازند؛ ميزان افسردگي نيز بسيار كمتر بود و شور و شوق فراواني در زندگي حاكم بود. اما امروزه نان‌هاي صنعتي، محصول شركت‌هايي است كه با توليد گندم‌هاي دست‌كاري‌شده ژنتيكي و با كنار زدن آردهاي طبيعي، از آردهاي سفيد فاقد سبوس و حاوي دي‌اكسيد كلر، كه ماده‌اي سمّي است، استفاده مي‌كنند.[19](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn19%22%20%5Co%20%22)

همچنين استفاده از آفت‌كش‌ها، علف‌كش‌ها، هورمون‌ها و آنتي‌بيوتيك‌ها در محصولات كشاورزي صنعتي و مشخص شدن اثرات زيانبار اين محصولات در ساية پژوهش‌هاي انجام‌گرفته، نگراني خانواده‌ها را موجب شده است. در اين تحقيقات، به سطح سموم آفت‌كش شيميايي موجود در ميوه‌ها و سبزيجات موجود در بازار نيز اشاره شده است. براي نمونه، مي‌توان به پژوهش‌هاي گروه فعاليت‌هاي زيست‌محيطي EWG، كه يكي از گروه‌هاي فعال اجتماعي در شهر واشنگتن است اشاره كرد كه از سوي «وزارت كشاورزي» و «مؤسسة غذا و داروي آمريكا» انتشار يافته است. بر اساس اين گزارش، محصولاتي مانند موز، گل كلم، ذرت شيرين، كيوي، انبه، پياز، خربزه، آناناس و نخودفرنگي شيرين، كمترين سطح، و محصولاتي چون سيب، فلفل، كرفس، گيلاس، شليل، انگور، هلو، گلابي، سيب‌زميني، تمشك، اسفناج و توت‌فرنگي، بيشترين سطح از اين مواد سمي را دارا هستند.[20](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn20%22%20%5Co%20%22)

**آلودگي زمين**

از جمله عوامل مهم آلوده‌‌كنندة زمين، كشاورزي صنعتي است. گسترش كودهاي شيميايي يكي از عواملي است كه تخريب و آلودگي خاك‌ها و مزارع كشاورزي را به همراه داشته است. استفاده از علف‌كش‌ها كه با هدف رهايي از علف‌هاي هرز صورت مي‌پذيرد، خود از عواملي است كه به آلودگي دامن مي‌زند. مقاوم شدن گياهان در برابر آفت‌كش‌ها نيز سبب استفاده از آفت‌كش‌هاي قوي‌تر و افزايش دامنة آلودگي‌ها شده است.

از مجموع آنچه گفته شد به دست مي‌آيد كه كشاورزي صنعتي مزيت قابل‌توجهي براي بشريت ندارد؛ جز اينكه منبع درآمد هنگفتي براي برخي از توليدكنندگان و سرمايه‌داران صنايع ماشين‌آلات كشاورزي و مواد شيميايي است. به راستي حاصل صنعتي كردن كشاورزي چه بوده است؟ تبليغاتي كه در رواج اين صنعت و مصرف بي‌روية كودهاي شيميايي شده و در پي آن، شعار و وعدة «جهان بدون گرسنگي» تا چه ميزان عملي شده است؟! آمارهاي رسمي و بين‌المللي اعلام مي‌كنند كه سالانه صدها ميليون نفر در جهان از بي‌غذايي و يا كم‌غذايي و سوءتغذيه مي‌ميرند. از سوي ديگر، به علت صدمات وارده به محيط زيست، از جمله تخريب مراتع و كشتزارها، بي‌آبي و گسترش صحراها و... ـ كه بخش عمده‌اي از آن محصول ماشيني و صنعتي‌شدن زندگي انسان است‌ـ، بخش قابل‌توجهي از زمين‌هاي كشاورزي، قابليت خود را از دست داده‌اند. كودهاي شيميايي و سموم دفع آفات، دو عامل اصلي شناخته‌شده در تخريب محيط زيست، آلوده كردن آب‌هاي آشاميدني، رودخانه‌ها، سواحل درياها و توليدات كشاورزي و تهديد كنندة حيات برخي از گياهان و گل‌هاي وحشي و پرندگان و آبزيان و مضرّ سلامتي انسان است. از آثار منفي مصرف كودهاي شيميايي در كشاورزي، مي‌توان به تغيير يافتن مزه و طعم، و درشت و بي‌قواره شدن ميوه‌ها و ساير توليدات كشاورزي و سيفي‌كاري‌ها اشاره كرد. بر اساس گزارش‌هاي سازمان بهداشت جهاني، سالانه صدها هزار سمپاش در سراسر جهان، بر اثر سمپاشي جان خود را از دست مي‌دهند و يا آسيب جدي مي‌بينند؛[21](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn21%22%20%5Co%20%22) در حالي كه امكان استفاده از كودهاي طبيعي و حيواني، كه اين پيامدهاي منفي را نيز ندارند، وجود دارد. همچنين از ديگر مضرّات كشاورزي صنعتي، كاهش شديد در به كارگيري نيروي انساني و در نتيجه كمك به افزايش بيكاري و ترك روستاها توسط كشاورزان و هجوم به شهرها با همة پيامدهاي منفي آن است. در بحث پرورش دام و مرغداري‌ها نيز وضعيت بهتر از اين نيست. نگهداري حيوانات در محيط‌هاي كوچك براي اينكه تحرك كمتري داشته باشند تا زودتر چاق شوند، نمونه‌اي از آن است. در اين گونه دامپروري‌ها و مرغداري‌ها، انواع و اقسام مواد پروتئيني و دارو و آنتي بيوتيك و غيره به دام‌ها و طيور مي‌خورانند تا زودتر رشد كنند. پژوهش‌ها نشان مي‌دهند كه توليد گوشت و تخم‌مرغ از اين طريق، كيفيت پايين دارد و امكان جمع شدن سموم در ماهيچه‌هاي آنان به علت عدم تحرك كافي وجود دارد كه براي سلامتي انسان نيز مناسب نيست.

اگر وضعيت دنياي جديد معلول عواملي باشد، قطعاً يكي از اساسي‌ترين آن‌ها گريز شتابان دنياي غرب از معنويت، از زمان رنسانس به بعد و تفكيك ميان علوم و معنويات، ارزش‌ها و اخلاق، و سرانجام پيروي بشر جديد غربي از مكتب‌هاي ساخته دست بشر نظير مكتب اصالت ماده، مكتب اصالت سود و لذت، مكتب اصالت علم و ... است. براي چنين انساني كه از مقام انسانيت و خليفة‌اللهي تا حد يك ميمون تنزّل يافته، هدف تنها سودجويي و لذت‌پرستي مطلق و بي‌محاسبه ـ حتي به قيمت نابودي زمين و موجودات ديگر ـ است. به همين منظور، قدرت‌پرستان براي سلطه بر ناتوانان و تصاحب منابع و منافع زمين، بخش عمده‌اي از منابع مادي و نبوغ بشر را در مسير جنگ و ساخت سلاح‌هاي كشتار جمعي هدر داده‌اند. نگاه آنان به طبيعت چنان است كه گويي مي‌توان آن را به ميل خود در اختيار گرفت و به ياري آن، نيازها، جاه‌طلبي‌ها و هوي و هوس‌هاي خويش را برآورده ساخت. آري! اگر رابطة طبيعت با خالق هستي ناديده انگاشته شد و از حالت قدسي تهي گرديد، چنان از آن بهره‌برداري مي‌شود كه نظم و هماهنگي‌اش را از ميان مي‌برد. مسئله در استفاده يا عدم استفاده از طبيعت خدادادي نيست، بلكه مشكل اين است كه بشرِ امروز با استفاده از الگوهاي توسعة تخريب‌گر خود و با حرص و آز در غارت منابع طبيعت، به جنگ با طبيعت آمده است؛ جنگي كه فرجام آن نابودي بشريت و همة موجودات زنده است.

**1. ديدگاه اسلام دربارة كشاورزي**

حقيقت اين است كه نوع نگاه اسلام به مسئلة كشاورزي و اساساً به طبيعت، با نوع نگاه دنياي مدرن و صنعتي به آن كاملاً متفاوت است. به تعبير ديگر، در مباني بحث با يكديگر ناسازگارند. در ادامه، به اختصار به برخي از اين مباني اشاره مي‌كنيم:

**1-2. عناصر مبنايي نگاه اسلام به طبيعت
1-1-2. خدا خالق انسان و عالم است**

در منطق اسلام، عالم و طبيعت مخلوق خداي متعال و آيتي از آيات الهي است. مشاهده مطالعة طبيعت و تفكر در آن، انسان را به سوي خالق يكتا رهنمون مي‌سازد. شايد يكي از اسرار تأكيد متون ديني بر اين مطالعه و تدبر و تعمق، اين باشد كه طبيعت نمايانگر خالق خويش است. از اين‌روي، خداوند در قرآن كريم دربارة اسرار آفرينش و نشانه‌هاي خويش در عالم مي‌فرمايد: «اينها نشانه‌هايي است براي كساني كه مي‌شنوند»؛[22](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn22%22%20%5Co%20%22) «براي آنها كه تفكر مي‌كنند»؛[23](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn23%22%20%5Co%20%22) «براي صاحبان مغز»؛[24](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn24%22%20%5Co%20%22) «آيا با چشم بصيرت نمي‌نگريد؟»[25](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn25%22%20%5Co%20%22)

بنابراين اگر انسان چشمي بينا، گوشي شنوا، فكري بيدار و دلي هوشيار و روحي آمادة پذيرش و تشنة حقايق داشته باشد، مي‌تواند از طريق مطالعة طبيعت به خالق آن پي ببرد. قرآن دربارة كساني كه چنين بهره‌اي نمي‌برند مي‌فرمايد:

«وَ كَأَيِّنْ مِنْ آيَةٍ فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْها وَ هُمْ عَنْها مُعْرِضُونَ» (يوسف: 105)؛ و (اين مردم بي‏خرد) چه بسيار بر آيات و نشانه‏ها(ي قدرت حق) در آسمانها و زمين مي‏گذرند و از آن روي مي‏گردانند.

**2-1-2. جايگاه انسان در عالم از منظر اسلام و نحوة تعامل او با طبيعت**

دنياي جديد، تا حدود زيادي متأثر از عدم شناخت صحيح انسان و ابعاد وجودي وي است. اين كج‌فهمي، زمينة انحطاط جوامع غربي و بلكه بشريت امروز را سبب شده است؛ از اين روي، ناچاريم بر نظر اسلام در معرفي حقيقت انسان تأكيد كرده، قدري بيشتر درنگ كنيم. از منظر قرآن، انسان مركب از جسم و روح است[26](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn26%22%20%5Co%20%22) و وجود روح ناديدني نه تنها قطعي و ثابت، بلكه قوام انسان و انسانيت وي به وجود آن است.آن چيزي كه «من» واقعي و حقيقي انسان است، همان روح اوست و جسم براي او نقش مركب و ابزار دارد. در مسألة دوگانگي روح و جسم، و اينكه بعدي غير مادي به نام روح در انسان وجود دارد قرآن مي‌فرمايد:

«ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فيهِ مِنْ رُوحِهِ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَليلاً ما تَشْكُرُونَ»(سجده: 9)؛ سپس آن (نطفه بي‏جان) را نيكو بياراست و از روح (قدسي الهي) خود در آن بدميد، و شما را داراي گوش و چشم‌ها و قلب‌ها (با حسّ و هوش) گردانيد، باز بسيار اندك شكر و سپاسگزاري نعمتهاي حق مي‏كنيد».

در بينش اسلامي، روح متمايز از بدن است، اما تأثير متقابلي ميان اين دو وجود دارد. از طرف ديگر، روح تمام حقيقت انسان را تشكيل مي‌دهد؛ به گونه‌اي كه مي‌توان از منظر قرآني، شخصيت انسان را همان روح او دانست. اين حقيقت در اين آيه به خوبي بيان شده است:

«قُلْ يَتَوَفَّاكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلي‏ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ؛(سجده: 11) بگو فرشتة مرگ كه مأمور قبض روح شماست، جان شما را خواهد گرفت و پس از مرگ به سوي خداي خود بازگردانيده مي‏شويد».

روح در هنگام مرگ از بدن گرفته مي‌شود، در حالي‌كه بدن به حال خود باقي است و چيزي از آن كم نمي‌شود.[27](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn27%22%20%5Co%20%22) البته آنچه هنگام وفات تماماً گرفته مي‌شود، روح است نه بدن؛ زيرا خطاب «كم» در «يتَوَفّاكم»، خطاب به حقيقت انسان است كه عبارت از روح و جان و نفس اوست و بدن غير از آن بوده و در وجود و شخصيتش تابع روح است. اين آيه از روشن‌ترين آياتي است كه بر تجرد نفس و دوگانگي نفس و بدن دلالت مي‌كند؛ به گونه‌اي كه نفس و روح، نه جزو بدن است و نه حالتي از حالات آن.[28](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn28%22%20%5Co%20%22) از آنچه بيان شد به دست مي‌آيد كه انسان نه تنها، منحصر در جسم مادي نيست؛ بلكه اساساً انسان اين جسم مادي نيست. حقيقت انسان روح الهي است كه از جانب او در اين بدن مادي و فاني دميده شده است و با فناي بدن نيز باقي مي‌ماند و قوام انسان و ايستايي قيامت و حيات ابدي او به آن وابسته است.

**3-1-2. آزادي انسان در بهره‌برداري از طبيعت؛ حدود و شرايط**

آيا انسان مجاز است از زمين و طبيعت به طور نامحدود و بي‌قيد و شرط بهره‌برداري كند؟ دانستيم كه از منظر اسلامي، انسان خليفة خدا روي زمين(بقره: 30) و البته بندة اوست. و اين دو وجه، با يكديگر فطرت انسان را مي‌سازد. انسان در مقام «عبد» خدا بودن، بايد مطيع مشيت او باشد، اما در مقام خليفة‌اللّهي بايد فعّال باشد. انسان در اين مقام، پل ميان مُلك و ملكوت، و واسطه و ابزاري است كه مشيت خداوند از طريق او در اين جهان تحقّق مي‌يابد. انسان در اسلام، هم داراي عقل است و هم دل و هم اراده. انديشة توحيدي، در فطرت وي نهفته است كه در عهد ألست بسته شد؛ چنين انديشه‌اي، خواست و ارادة انسان را تابع اراده و مشيت خداوند قرار مي‌دهد و همين مسئله سعادت دنيا و آخرت وي را تضمين مي‌كند. علوم برخاسته از چنين انديشه‌اي نيز در جهت سعادت وي و همنوعان و ديگر مخلوقات خواهد بود. از منظر اسلامي، خداوند انسان را از خاك آفريد و آن گاه از روح خود در وي دميد.

اسلام براي انسان كرامت قائل است؛ اما اين به معناي تأييد سرشت طغيانگر كه در مقابل خدا و ديگر مخلوقات او طغيان كند نيست، بلكه ناشي از آن است كه او خليفة خدا در زمين است و مي‌تواند اراده و مشيت الهي را در جهان اجرا كند. انسان قدرت دارد كه بر همة مخلوقات ديگر سلطه يابد؛ اما مسئوليت نيز دارد كه از همة اين مخلوقات مراقبت كند.[29](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn29%22%20%5Co%20%22)

اما انسان غربي با تمدن جديد و مباني فلسفي محفوف در آن، سرِ جنگ و ناسازگاري با خود، جهان و حتي با طبيعت دارد و برون‌رفت از اين وضعيت، جز با تغيير بنيادين در برداشت از ماهيت انسان ممكن نيست. در تمدن سنتي، انسان خليفةالله است و حرمت دارد و در عين حال كه بر محيط طبيعي سلطة نامحدود ندارد، در برابر خداوند مسؤول است و.... از اين‌روي، قصد جنگ و ستيزه‌جويي با خود و جهان طبيعي نخواهد داشت؛ زيرا هرگز توازن خويش را از دست نمي‌دهد.

بي‌شك، از منظر اسلامي رابطة ميان انسان و طبيعت و زمين و نيز حيوانات، داراي حدود و ثغوري است و انسان در اين زمينه وظايفي اخلاقي به عهده دارد كه بيان خواهد شد.

**4-1-2. كشاورزي در اسلام**

از امور مقدّس و مورد تأكيد اسلام، مسئلة كشاورزي است. هم در آيات قرآن و هم در روايات معصومان‌عليهم‌السلام بر اين امر تأكيد شده است. افزون بر همة اينها، سيرة عملي بزرگان دين در انجام دادن امور كشاورزي نيز مي‌تواند دليلي بر اهميت آن باشد. براي نمونه مي‌توان از نخلستان‌هاي امام علي‌عليه‌السلام و كشاورزي امام صادق‌عليه‌السلام و... نام برد. قرآن كريم[30](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn30%22%20%5Co%20%22) و روايات فراواني بر اين مسئله تأكيد دارند كه براي نمونه به برخي از آنها اشاره مي‌شود:

محمدبن‌عطيه مي‌گويد از امام صادق‌عليه‌السلام شنيدم كه فرمود:

«انّ الله عزّ و جل احب لانبيائه من الاعمال الحرث و الرعي لئلّا يكرهوا شيئاً من قطر السماء؛ همانا خداوند در ميان كارها، براي انبياي خود كار كشاورزي و دامپروري را برگزيد تا از هيچ قطرة آسماني ناخشنود نباشد».[31](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn31%22%20%5Co%20%22)

در روايات متعدد ديگري نيز كشاورزي، كيمياي بزرگ،[32](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn32%22%20%5Co%20%22) برترين كارها،[33](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn33%22%20%5Co%20%22) حلال‌ترين و پاك‌ترين عمل،[34](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn34%22%20%5Co%20%22) مال و ثروت برتر،[35](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn35%22%20%5Co%20%22) ناميده شده و كشاورزان، گنج‌هاي مردمان معرفي شده‌اند.

از ديدگاه اسلام، آب، خاك و هوا نيز ارزش زيادي دارند. آب از نعمت‌هاي بزرگ خداست كه حيات تمام موجودات بدان وابسته است. قرآن كريم مي‌فرمايد:

«وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ كُلَّ شَيْ‏ءٍ حَيٍّ أَ فَلا يُؤْمِنُونَ؛ و از آب هر چيز زنده‏اي را آفريديم؟ پس چرا باز (مردم طبيعت و ماده‏پرست) به خدا ايمان نمي‏آورند».(انبياء: 30)

از اين‌روي، انسان‌ها موظفند از اين نعمت عظيم الهي به طور صحيح استفاده كنند؛ براي مثال، اسراف نكنند و آب‌ها را آلوده نسازند. در روايات نيز بر اين مسئله تأكيد شده است. در روايتي پيامبر اكرم‌صلي‌الله‌عليه‌وآله از بول كردن در آب جاري نهي كردند.[36](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn36%22%20%5Co%20%22) همچنان كه امام صادق‌عليه‌السلام فرمود: «وَ لَا تُفسِد عَلَي القَومِ مَاءَهُم؛ آب مردم را آلوده نكن».[37](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn37%22%20%5Co%20%22)

آلودگي هوا نيز از مسائلي مي‌باشد كه اسلام به شدت از آن نهي كرده است. رسول اكرم‌صلي‌الله‌عليه‌وآله حتي از ريختن سمّ در سرزمين مشركان نهي فرموده است. از امام صادق‌عليه‌السلام نقل است كه: پيامبر‌صلي‌الله‌عليه‌وآله از خوردن سير، به‌خاطر بوي بدش، نهي كرد و سپس فرمود: هر كس سير بخورد به مسجد وارد نشود.[38](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn38%22%20%5Co%20%22) در روايتي ديگر حضرت علي‌عليه‌السلام سفارش فرمود كه هر كس چيزي بخورد كه بوي بدش مردم را اذيت كند به مسجد نيايد.[39](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn39%22%20%5Co%20%22)

بنابر نظر كارشناسان، آلودگي هوا سه پيامد اصلي «باران اسيدي، تخريب لاية ازن، و گرماي زمين» را در مقياس بين‌المللي به دنبال داشته است.[40](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn40%22%20%5Co%20%22)

**2-2. وظايف عملي انسان‌ها در برابر طبيعت و محصولات كشاورزي
1-2-2. مصرف بهينه**

از منابع ديني به خوبي استفاده مي‌شود كه خداي متعال تمام نعمت‌هاي خود، اعم از خوردني‌ها و نوشيدني‌ها و پوشيدني‌ها و ... را براي انسان و استفادة او آفريده است:

«أَ لَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ ما فِي السَّماواتِ وَ ما فِي الْأَرْضِ وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظاهِرَةً وَ باطِنَةً وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يُجادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ لا هُدي وَ لا كِتابٍ مُنيرٍ(لقمان: 20)؛ آيا شما مردم به حس مشاهده نمي‏كنيد كه خدا انواع موجوداتي كه در آسمان‌ها و زمين است را براي شما مسخّر كرده و نعمت‏هاي ظاهر و باطن خود را براي شما فراوان فرموده؟ و (با اين وجود) برخي از مردم از روي جهل و گمراهي و بي‏خبري از كتاب روشن (حق) در (دين) خداي متعال مجادله مي‏كنند».

و نيز:

«وَ مِنَ الْأَنْعامِ حَمُولَةً وَ فَرْشاً كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَ لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبينٌ(انعام: 142)؛ و از بعضي چهارپايان استفاده باربري و سواري كنيد. از آنچه روزي شما كرده بخوريد و پي اغواي شيطان نرويد، كه او شما را دشمني آشكار است».

از آيات و روايات به دست مي‌آيد كه همة دنيا براي انسان و استفادة او خلق شده است و انسان حق دارد از طبيعت و موهبت‌هاي خدادادي آن بهره ببرد. اما نكتة مهمي كه متأسفانه انسان غربي از آن غفلت كرده است و همين غفلت موجب پيدايش بحران‌هاي متعدد در زندگي بشر شده، آن است كه اين «حق بهره‌مندي»، بي‌حد و حصر و نامحدود نيست. انسان حق دارد از زمين و طبيعت استفاده كند، ولي نه به اين شكل كه از زمين و موهبت‌هاي آن به منزلة ابزاري براي پاسخ دادن به اشتهاي مادي و حيواني سيري‌ناپذير خود بهره جويد، و نه به قيمت گرسنگي بخش قابل‌توجهي از انسان‌ها. بنابراين، استفادة بيش از حد از طبيعت به گونه‌اي كه موجب محروميت ديگران شود، جايز نيست. از اين‌روي، قرآن تصريح مي‌كند كه در قيامت از انسان دربارة چگونگي بهره‌مندي از نعمت‌ها پرسش خواهد شد:

«ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعيمِ(تكاثر: 8)؛ آن گاه در آن روز از نعمتها شما را باز مي‏پرسند».

بديهي است از منظر اسلامي، محدوديتي در توليد نيست، بلكه اسلام همت در توليد، و قناعت در مصرف را توصيه مي‌كند.

همچنين نبايد بهره‌مندي از طبيعت، به آسيب رساندن به نظام طبيعت بينجامد. اسلام براي عملي كردن اين امر مهم و بهينه‌سازي مصرف، راه‌كارهاي خوبي ارائه كرده است كه از جملة آنها مي‌توان به «اعتدال در مصرف»،[41](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn41%22%20%5Co%20%22) «عدم اسراف و تبذير»،[42](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn42%22%20%5Co%20%22) «سپاس‌گذاري و شكر عملي نعمت‌ها»[43](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn43%22%20%5Co%20%22)، و «عدم كفران نعمت»[44](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn44%22%20%5Co%20%22) اشاره كرد.

**2-2-2. ضرورت تحصيل و نگهداري آب و هواي سالم و زمين حاصل‌خيز**

اسلام به داشتن آب و هواي سالم براي جامعه و نيز زمين حاصل‌خيز تأكيد دارد. در روايتي از پيامبر اسلام‌صلي‌الله‌عليه‌وآله چنين آمده است:

«ثلاث يجلين البصر، النظر إلي الخضره و إلي الماء الجاري و إلي الوجه الحسن؛ سه چيز ماية روشني ديده‌اند: نگاه به سبزه، به آب روان و به روي نيكو».[45](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn45%22%20%5Co%20%22)

از اين روايت به دست مي‌آيد كه روان ساختن جوي صاف و آب پاكيزه و ساختن فضاي سبز و بوستان و گلستان، مطلوب اسلام است؛ همچنان كه در روايات زيادي بر غرس درخت و درخت‌كاري تأكيد شده است.[46](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn46%22%20%5Co%20%22) در روايتي از امام صادق‌عليه‌السلام آمده است كه حضرت فرمود: «زندگي بدون داشتن سه عامل اصلي حيات، گوارا نيست؛ هواي پاك و تميز، آب فراوان و گوارا، زمين حاصل‌خيز و قابل كشت و زرع».[47](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_edn47%22%20%5Co%20%22)

بنابراين، از منظر ديني، اصل هوا، آب و زمين حاصل‌خيز، امانات الهي براي حيات انسان و موجودات ديگرند. از اين‌روي، وظيفة همگان، حفظ و نگهداري اين سرمايه‌هاي حياتي است؛ بايد از آلوده كردن آنها بپرهيزيم و در تصفية آب سالم و پاسداشت هواي پاك به هر شكلي كه ممكن است بكوشيم. همچنين لازم است با شناسايي عواملي كه حاصل‌خيزي زمين را هدف قرار مي‌دهند و نيز با آموزش لازم جهت استفادة صحيح از زمين‌هاي حاصل‌خيز و سفره‌هاي زيرزميني آب، از اين نعمت‌هاي الهي استفادة بهينه كرده، براي احيا، تسطيح، كويرزدايي و ... زمين گام برداريم.

**خلاصه و نتيجة بحث**

اين نوشتار درصدد بررسي اخلاقي مسائلي از كشاورزي مي‌باشد كه در دورة جديد و در پي كشاورزي صنعتي به وجود آمده است. گفته شد كه براي انسان چهار نوع رابطه متصور است: رابطة با خدا، رابطة با خود، رابطة با طبيعت و رابطة با جامعه. انسان خليفه و جانشين خدا در زمين و در عين حال، عبد و بندة اوست. عبد بودن خليفه اقتضا دارد كه ارادة معبود را در زمين پياده كند. و اين اراده چيزي جز آباداني و عمران زمين نيست. انسان اجازه دارد و بايد از طبيعت و زمين بهره بجويد، ولي اين كامجويي از طبيعت نامحدود و مطلق نيست، بلكه مشروط به شرايطي است. انسان موظف است در عين استفادة از زمين و موهبت‌هاي الهي آن، از تخريب آن اجتناب جويد؛ طغيان و سركشي نكند؛ زياده‌طلب نشود و هدف خود را سيطرة بر طبيعت ـ به هر شكل و به هر قيمت ـ قرار ندهد؛ به حقوق ديگر موجودات از انسان و غيره احترام بگذارد؛ اسراف نكند و در حقيقت در ملك خدا، آن گونه كه او دستور و اجازه داده است، تصرف كند.

در ادامه، به رويكرد انسان جديد و معاصر به كشاورزي صنعتي اشاره شد كه با مباني خاص خود، نظير نفي خدا و ربوبيت او، سيطرة مطلق بر طبيعت و ديگر موجودات، ثروت و لذت به مثابة هدف غايي و ... همراه بوده است. همچنين به بحران‌هايي كه اين رويكرد ايجاد كرده است، مانند: بحران آب، بحران محيط زيست، گرم شدن هوا، انحطاط اخلاقي و... اشاره شد. در پايان با توجه به تأكيد اسلام بر كشاورزي و لزوم تغذية مردم از محصولات زمين و طبيعت، به ديدگاه‌ها و داوري اسلام دربارة مسائل مورد بحث اين نوشتار پرداخته شد.

* **··· منابع**

ـ *نهج الفصاحه الحاوي لقصار كلمات الرسول الأكرم*‌صلي‌الله‌عليه‌وآله ، تحقيق غلامحسين مجيدي، تهران، مؤسسة انصاريان، 1379.

ـ طباطبايي، محمدحسين، *الميزان في تفسير القرآن*، تهران، دار الكتب‌الاسلاميه، 1376ق.

ـ طباطبايي، محمدحسين، *آغاز پيدايش انسان*، تهران، بنياد فرهنگي امام رضا‌عليه‌السلام ، 1361.

ـ طبرسي، فضل‌بن‌حسن، *مجمع البيان في تفسير القرآن*، بيروت، دار احياء تراث‌العربي، 1379ق.

ـ طوسي، محمدبن‌حسن، *التبيان في تفسير القرآن*، نجف، مكتبةالأمين، 1376ق.

ـ مكارم‌شيرازي، ناصر، با همكاري جمعي از نويسندگان، *تفسير نمونه*، تهران، دارالكتب‌الاسلاميه، 1362.

ـ مطهري، مرتضي، *عدل الهي*، تهران، صدرا، 1373.

ـ رازي، فخرالدّين، *مفاتيح الغيب* (التفسير الكبير)، استانبول، العامره، 307ق.

ـ سبزواري نجفي، محمدبن حبيب‌الله، *ارشاد الأذهان في تفسير القرآن*، بي‌جا، دارالتعارف للمطبوعات، 1419ق.

ـ شريف لاهيجي، محمدبن علي، *تفسير شريف لاهيجي*، تهران، علمي، 1381ق.

ـ طبرسي، فضل‌بن حسن، *جوامع الجامع*، ترجمة ابوالقاسم گرجي، تهران، دانشگاه تهران و مركز مديريت حوزة علمية قم، 8ـ1367.

ـ سبحاني، جعفر، اصالت روح از نظر قرآن، قم، مؤسسة امام صادق‌عليه‌السلام ، 1377.

ـ مصباح يزدي، محمدتقي، *معارف قرآن (خداشناسي ـ كيهان‌شناسي ـ انسان‌شناسي)*، قم، مؤسسة در راه حق، 1367.

ـ جوادي آملي، عبدالله، *انسان در اسلام*، قم، رجا، 1372.

ـ واعظي، احمد، *انسان در اسلام*، قم، دفتر همكاري حوزه و دانشگاه، 1377.

ـ جوادي آملي، عبدالله، *اسلام و محيط زيست*، قم، مركز نشر اسرا، 1386.

ـ نصر، سيدحسين، *جوان مسلمان و دنياي متجدّد*، تهران، طرح نو، 1374.

ـ الزبيدي، محمدمرتضي، *تاج‌العروس من جواهر القاموس*، بيروت، دار مكتبة الحياة، بي‌تا.

ـ الجوهري، اسماعيل‌بن حماد، *الصحاح*، تحقيق احمد عبدالغفور عطار، بيروت، دارالعلم للملايين، 1990.

ـ ابن‌منظور، *لسان العرب*، بيروت، دار احياء التراث‌العربي، 1416ق.

ـ الراغب اصفهاني، الحسين‌بن محمد، *المفردات في غريب القرآن*، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء آثارالمرتضوية، بي‌تا.

ـ ابن‌مسكويه، *تهذيب الاخلاق و تطهير الاعراق*، قم، بيدار، 1371.

ـ نراقي، ملامهدي، *جامع السعادات*، قم، اسماعيليان، بي‌تا.

ـ دبيرسياقي، منوچهر، *در غرب چه مي‌گذرد؟*، قزوين، انتشارات بحرالعلوم، 1375.

ـ شبكه جهان سوم «جهاني‌شدن كشاورزي و رشد ناامني غذايي»، *سياحت غرب*، ش32، قم، مركز پژوهش‌هاي اسلامي صدا و سيما، اسفند 1384.

ـ ليبي كوايد، «رويكرد والدين به مصرف غذاهاي ارگانيك»، *سياحت غرب*، ش46، قم، مركز پژوهش‌هاي اسلامي صدا و سيما، ارديبهشت 1386.

ـ كروگمن، پل، «هراس از خوردن غذا»، *سياحت غرب*، ش51، قم، مركز پژوهش‌هاي اسلامي صدا و سيما، مهر 1386.

ـ چارلز، پرنس، «كشاورزي سنتي در چنبرة جهاني‌سازي»، *سياحت غرب*، ش34، قم، مركز پژوهش‌هاي اسلامي صدا و سيما، ارديبهشت 1385.

ـ جونز، رور، «جهان آينده و عطش آب شيرين»، *سياحت غرب*، ش41، قم، مركز پژوهش‌هاي اسلامي صدا و سيما، آذر 1385.

ـ سريواستاوا، آميت، «كوكاكولا از نگاهي ديگر»، *سياحت غرب*، ش40، قم، مركز پژوهش‌هاي اسلامي صدا و سيما، آبان 1385.

ـ كومار، ساتيش، «در حسرت نان سالم»، *سياحت غرب*، ش35، قم، مركز پژوهش‌هاي اسلامي صدا و سيما، خرداد 1385.

ـ سامشوار سينگ، «بحران آلودگي سفره‌هاي زير زميني»، *سياحت غرب*، ش21، قم، مركز پژوهش‌هاي اسلامي صدا و سيما، فروردين 1384.

ـ مكارم شيرازي، ناصر با همكاري جمعي از دانشمندان، *پيام قرآن*، قم، مدرسه الامام علي‌بن ابيطالب‌عليه‌السلام ، 1374.

ـ مجلسي، محمدباقر، *بحار الأنوار*، بيروت، الوفاء، 1404ق.

ـ عاملي، شيخ حر، *وسائل الشيعه*، قم، موسسة آل البيت، 1409ق.

ـ برقي، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، قم، دار الكتب الإسلاميه، 1371.

ـ شيخ صدوق، محمد بن علي، *الامالي*، تهران، انتشارات كتابخانة اسلاميه، 1362.

ـ شيخ طوسي، محمد بن حسن طوسي، *التهذيب*، تهران، دار الكتب الاسلاميه، 1365.

ـ شيخ طوسي، *الاستبصار*، تهران، دار الكتب الاسلاميه، 1390ق.

ـ پورخباز، عليرضا و پورخباز، حميدرضا، *عمده‌ترين آشفتگي‌هاي زيست‌محيطي قرن حاضر*، مشهد، آستان قدس رضوي، 1381.

ـ محدث نوري، حسين بن محمدتقي الحرالعاملي، *مستدرك الوسائل*، بيروت، مؤسسة آل‌البيت‌عليهم‌السلام لإحياء التراث، 1408ق.

-Gary L. Comstock, Agricultural ethics, Routledge Encyclopedia of philosophy, Vol.1, P.126.

* پى نوشت ها

[1-](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ftnref1%22%20%5Co%20%22). دانش‌آموختة حوزة علميه، دانشجوي دکتري مباني نظري اسلام. دريافت: 5/5/88 ـ پذيرش: 5/10/88.

[2-](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ftnref2%22%20%5Co%20%22) استاديار مؤسسه آموزشي و پژوهشي امام خميني(ره)

[1](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref1%22%20%5Co%20%22). ر.ک: بقره: 22 / اسراء: 12 / جاثيه: 12 و 13.

[2](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref2%22%20%5Co%20%22). Gary L. Comstock, Agricultural ethics, Routledge Encyclopedia of philosophy, Vol.1, P.126.

[3](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref3%22%20%5Co%20%22). Comstock, Ibid, P.126.

[4](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref4%22%20%5Co%20%22). براي مطالعة تفصيلي در اين زمينه ر.ک: علي رمضاني، *جامعيت قرآن* (پايان‌نامه)، ص 181-91.

[5](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref5%22%20%5Co%20%22). ناصر مکارم شيرازي با همکاري جمعي از دانشمندان، *پيام قرآن*، ج10، ص 90-89.

[6](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref6%22%20%5Co%20%22). Comstock, Ibid, P.127-128.

[7](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref7%22%20%5Co%20%22). Comstock, Ibid, P.126-127.

[8](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref8%22%20%5Co%20%22). Ibid.

[9](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref9%22%20%5Co%20%22). شبكه جهان سوم«جهاني شدن کشاورزي و رشد ناامني غذايي»، *سياحت غرب*، ش32، صص131-130.

[10](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref10%22%20%5Co%20%22). همان، ص140ـ131.

[11](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref11%22%20%5Co%20%22). پرنس چارلز، «کشاورزي سنتي در چنبرة جهاني‌سازي»، *سياحت غرب*، ش 34، ص 117.

[12](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref12%22%20%5Co%20%22). رور جونز، «جهان آينده و عطش آب شيرين»، *سياحت غرب*، ش 41، ص 123.

[13](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref13%22%20%5Co%20%22). سامشوار سينگ، «بحران آلودگي سفره‌هاي زيرزميني»، *سياحت غرب*، ش 21، ص 143.

[14](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref14%22%20%5Co%20%22). رور جونز، «جهان آينده و عطش آب شيرين»، *سياحت غرب*، ش 41، ص 124.

[15](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref15%22%20%5Co%20%22). C0mstock, Ibid, P.126.

[16](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref16%22%20%5Co%20%22). براي مثال، شرکت کوکاکولا تنها در سال 2004، 283 ميليارد ليتر آب مصرف کرده، و ميزان بهره‌وري‌اش از اين آب 1 به 7/2 است؛ يعني به ازاي استفادة از 2/7 ليتر آب آشاميدني سالم، يک ليتر فرآورده توليد مي‌کند و بقيه آب‌ها صرف شست‌و‌شوي بطري‌ها، دستگاه‌ها و تجهيزات اين شرکت مي‌شود. در حالي که در دنيا از هر پنج نفر، يک نفر دسترسي به آب سالم ندارد! (ر.ک: آميت سريواستاوا، «کوکاکولا از نگاهي ديگر»، *سياحت غرب*، ش40، ص126). به راستي آيا چنين اقدامي از نظر اخلاقي قابل توجيه است؟!

[17](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref17%22%20%5Co%20%22). براي مطالعة بيشتر ر.ک: پل کروگمن، هراس از خوردن غذا، همان، ش51، ص 111ـ108.

[18](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref18%22%20%5Co%20%22). Satish kumar.

[19](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref19%22%20%5Co%20%22). ساتيش کومار، «در حسرت نان سالم»، *سياحت غرب*، ش35، ص 153-151.

[20](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref20%22%20%5Co%20%22). ليبي کوايد، «رويکرد والدين به مصرف غذاهاي ارگانيک»، *سياحت غرب*، ش 46، ص 108.

[21](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref21%22%20%5Co%20%22). ر.ک: منوچهر دبيرسياقي، *در غرب چه مي‌گذرد؟*، ص148.

[22](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref22%22%20%5Co%20%22). يونس: 67.

[23](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref23%22%20%5Co%20%22). رعد: 3.

[24](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref24%22%20%5Co%20%22). طه: 54.

[25](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref25%22%20%5Co%20%22). ذاريات: 21.

[26](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref26%22%20%5Co%20%22). مؤمنون: 12-16 / سجده:10-11 / ر.ک: محمدحسين طباطبايي، *آغاز پيدايش انسان*، ص7-9 / ر. ک: عبدالله جوادي‌آملي، *انسان در اسلام*، ص 30-32 / احمد واعظي، *انسان از ديدگاه اسلام*، ص 26ـ36.

[27](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref27%22%20%5Co%20%22). محمدحسين طباطبايي، *الميزان في تفسير القرآن*، ج 12، ص 154.

[28](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref28%22%20%5Co%20%22). محمدحسين طباطبايي، همان، ج16، ص252 / براي مطالعة بيشتر ر. ک: جعفر سبحاني، *اصالت روح از نظر قرآن*، ص 25-30 / ر. ک: محمدتقي مصباح، *معارف قرآن (خداشناسي ـ کيهان‌شناسي ـ ‌انسان‌شناسي)*، ص 349 - 359.

[29](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref29%22%20%5Co%20%22). ر.ک: سيدحسين نصر، *جوان مسلمان و دنياي متجدّد*، صص49-44.

[30](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref30%22%20%5Co%20%22). واقعه: 63.

[31](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref31%22%20%5Co%20%22). محمدباقر مجلسي، *بحار الأنوار*، ج 100، ص 65، ح 8.

[32](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref32%22%20%5Co%20%22). شيخ حر عاملي، *وسائل الشيعه*، ج 9، ص 34.

[33](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref33%22%20%5Co%20%22). محمدباقر مجلسي، *بحار الأْنوار*، ص 69، ح 26.

[34](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref34%22%20%5Co%20%22). همان، ص 68، ح 24.

[35](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref35%22%20%5Co%20%22). شيخ صدوق، *الامالي*، ص 530.

[36](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref36%22%20%5Co%20%22). شيخ طوسي، *التهذيب*، ج 1، ص 34.

[37](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref37%22%20%5Co%20%22). کليني، *الکافي*، ج 3، ص 65.

[38](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref38%22%20%5Co%20%22). شيخ طوسي، *الاستبصار*، ج 4، ص 92.

[39](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref39%22%20%5Co%20%22). شيخ طوسي، *التهذيب*، ج 3، ص 255.

[40](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref40%22%20%5Co%20%22). عليرضا پورخباز، *عمده‌ترين آشفتگي‌هاي زيست محيطي قرن حاضر*، ص 16.

[41](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref41%22%20%5Co%20%22). بقره: 143

[42](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref42%22%20%5Co%20%22). انعام: 141 / انبياء: 9 / اسراء: 27.

[43](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref43%22%20%5Co%20%22). ابراهيم: 7 / آل‌عمران: 144

[44](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref44%22%20%5Co%20%22). نحل: 112 / ابراهيم: 28

[45](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref45%22%20%5Co%20%22). *نهج الفصاحه*، ج1، ص292.

[46](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref46%22%20%5Co%20%22). براي نمونه‌ ر.ک: *نهج الفصاحه*، ج1، ص497.

[47](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/26%22%20%5Cl%20%22_ednref47%22%20%5Co%20%22). محمدباقر مجلسي، *بحار الأنوار*، ج75، ص234.